

The process of issuing licenses for publishing newspapers in the Qajar period

Hasan Zandiyeh¹ | Kiana Shariat-Parsa²

Abstract:

Purpose: To analyze the process of issuing printing and publishing licenses and to study its formal and content structure from the beginning of Nasser al-Din Shah to the end of the Qajar rule

Method and Research Design: The data are extracted from library and archival sources and mainly from the archives of the National Documents Organization, and considering the nature of this type of documentary research, the research method will be descriptive and analytical

Findings and Conclusion: Publishing licenses are of special importance as the initial stage of publishing a magazine and a book. Books and especially newspapers in this period went through a special administrative process for publication. Examining the relevant licenses along with the laws and administrative procedures affecting the licensing process is one of the main and important issues in this article. It should be noted that these documents, in most cases, followed a specific structure, but in some from publishing licenses due to non-completion of documents by the applicant, it is possible to see differences and distinctions in the structure and content of licenses.

Keywords: Historical Documents, License, Publishing, Appearance Structure, Content Structure.

Citation: Zandiyeh, H., Shariat Parsa, K. (2021). The process of issuing licenses for publishing newspapers from the Nasser period to the end of the Qajar rule. *Ganjine-ye Asnad*, 31(4), 60-85. doi: 10.30484/ganj.2021.2761

**GANJINE-YE
ASNAD**
Historical Research &
Archival Studies Quarterly

Research paper

1. Assistant Professor, Department of History, University of Tehran, Tehran, I. R. Iran, (Corresponding Author) Zandiyehh@ut.ac.ir

2. MA in Archival Documents and Bibliography, Department of History, University of Tehran, Tehran, Iran kiana5936@gmail.com

Copyright © 2022, NLAI (National Library & Archives of I. R. Iran). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and adapt the material for any purpose.

Ganjine-Ye Asnad

«124»

Peer-reviewed Journal | National Library & Archives of I. R. Iran, Archival Research Institute

ISSN: 1023-3652 | E-ISSN: 2538-2268

Digital Object Identifier(DOI):10.30484/GANJ.2021.2761

Indexed by Google Scholar, Researchgate, ISC, SID & Iran Journal | <http://ganjineh.nlai.ir>

Vol. 31, No. 4, Winter 2022 | pp: 60 - 85 (26) | Received: 13, Jan. 2020 | Accepted:19, Sep. 2020

Historical research





فصلنامه تحقیقات تاریخی
و مطالعات آرشیوی

مقاله پژوهشی

فرایند صدور مجوز چاپ و نشر روزنامه‌ها در دوره قاجار

حسن زندیه^۱ | کیانا شریعت پارسا^۲

چکیده:

هدف: فرایند صدور مجوزهای چاپ و نشر و بررسی ساختار شکلی و محتوایی آن‌ها، از ابتدای دوره ناصرالدین‌شاه تا پایان حکومت قاجار در این مقاله گزارش شده است.
روش/ رویکرد پژوهش: داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و آرشیوی (عمدتاً آرشیو ملی ایران) استخراج شده است

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: آثار چاپی به‌ویژه روزنامه‌ها برای انتشار در دوران مذکور روند اداری خاصی را طی می‌کردند. این اسناد در اکثر موارد از ساختاری مشخص پیروی می‌کردند، ولی در برخی از مجوزهای چاپ و نشر به علت تکمیل‌نشدن مدارک توسط شخص متقاضی، می‌توان تفاوت و تمایزی را در ساختار و محتوای اجازه‌نامه‌ها مشاهده کرد.

کلیدواژه‌ها: اسناد تاریخی؛ مجوز؛ چاپ و نشر؛ ساختار ظاهری؛ ساختار محتوایی.

استناد: زندیه، حسن، شریعت پارسا، کیانا. (۱۴۰۰). فرایند صدور مجوز چاپ و نشر روزنامه‌ها در دوره قاجاری. گنجینه اسناد، ۳۱ (۴)، ۶۰-۸۵ | doi: ۱۰.۳۰۴۸۴/ganj.۲۰۲۱.۲۷۶۱

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)
Zandiyehh@ut.ac.ir
۲. کارشناس ارشد رشته اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، گروه تاریخ، دانشگاه تهران، تهران، ایران
kiana5936@gmail.com



گنجینه اسناد

«۱۲۴»

فصلنامه علمی | سازمان اسناد و کتابخانه ملی ج.ا.ایران - پژوهشکده اسناد

شاپا (چاپی): ۱۰۲۳-۳۶۵۲ | شاپا (الکترونیکی): ۲۵۳۸-۲۲۶۸

شناسانه برنمود رقمی (DOI): ۱۰.۳۰۴۸۴/GANJ.۲۰۲۱.۲۷۶۱

نمایه در Google Scholar, Researchgate, SID, ISC و ایران ژورنال | <http://ganjineh.nlai.ir>

سال ۳۱، دفتر ۴، زمستان ۱۴۰۰ | صص: ۶۰ - ۸۵ (۲۶)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۳ | تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۲۹

تحقیقات تاریخی

۱. مقدمه

نخستین مجوزهای چاپ کتاب و نشریه، در اواسط حکومت ناصرالدین شاه و در راستای ورود افکار تجددخواهانه به ایران صادر شدند. صدور این مجوزها و همچنین سانسور مطبوعات و کتب و جلوگیری از ترجمه آن‌ها، را وزارت انطباعات و زیر نظر اعتمادالسلطنه و شخص شاه انجام می‌داد.

اسناد مربوط به مجوزهای چاپ و نشر و همچنین سانسور کتب و مطبوعات، در برخی کتابخانه‌ها و مراکز اسنادی موجود است و جزو سندهایی محسوب می‌شود که تا به امروز هم، ماهیت خود را حفظ کرده‌اند. کتبی در این زمینه وجود دارد که به ارائه این اسناد (البته نه به‌طور کامل) اکتفا کرده‌اند. نکته‌ای که وجود دارد و سعی شده‌است در این مقاله به آن پرداخته شود، بررسی این مجوزها از منظر سندشناسی و تغییر و تحول این اسناد طی بازه زمانی مدنظر است.

براین اساس، دو پرسش اصلی این مقاله را این‌گونه می‌توان بیان کرد:

۱. مجوزهای چاپ و نشر از چه جایگاهی برخوردار بوده‌اند و قوانین مطبوعات این دسته از اسناد را با چه تغییر و تحولاتی همراه کرده‌است؟
۲. مجوزهای چاپ و نشر از ابتدای دوره ناصری تا پایان حکومت قاجار، از لحاظ شکلی و محتوایی چه ساختاری داشته‌اند؟

برای پاسخ به پرسش‌های مطرح‌شده، ابتدا جایگاه مجوزهای چاپ و نشر در پیش و پس از تصویب قانون مطبوعات، و سپس ساختار شکلی و محتوایی این مجوزها بررسی می‌شوند.

۲. مجوزهای چاپ و نشر در پیش از تصویب قانون مطبوعات

پیش از دوره ناصری و با تلاش‌های عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم قائم مقام فراهانی گروهی از محصلان ایرانی با هدف آموختن علوم و فنون جدید به اروپا اعزام شدند. یکی از این افراد میرزا محمد صالح شیرازی بود. اولین ثمره تلاش‌های پیگیر میرزا صالح برای ترویج افکار آزادی‌خواهانه، انتشار نخستین روزنامه فارسی در ایران بود. این روزنامه را باید یکی از اساسی‌ترین پایه‌های فرهنگ و تمدن جدید در ایران دانست (کهن، ۱۳۶۰، ص ۱۳). او در بازگشت به ایران و با وقفه‌ای طولانی سرانجام در سال ۱۲۵۲ ق/ ۱۲۱۵ ش به انتشار نشریه‌ای موسوم به *کاغذ اخبار* دست زد.

با انتشار پیش شماره نشریه مشهور به *کاغذ اخبار* در دوره پادشاهی محمدشاه قاجار و صدارت ملاعباس ماکویی معروف به حاجی میرزا آقاسی ابروانی در رمضان ۱۲۵۲ ق/ آذر و دی ۱۲۱۵ ش در تهران، حیات روزنامه‌نگاری - به مفهوم امروزی - در ایران بنیاد گرفت (قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۲۶).



مجوزی از نشریه کاغد اخبار تا به امروز به دست نیامده است و اطلاعات مربوط به چگونگی چاپ این نشریه و مطالب آن تنها به بازتابی محدود است که در منابع عصر قاجار و در برخی از روزنامه‌های آن دوران داشته است.

جریان مطبوعات در دوران ناصرالدین شاه قاجار را به علت تفاوت‌هایی که در شیوه روزنامه‌نگاری و شکل و محتوای مطبوعات و نهادهای نظارتی بر انتشار آن‌ها به وجود آمد کم‌وبیش به سه دوره کاملاً مجزا می‌توان تقسیم کرد:

- دوره اول از سال ۱۲۶۵ق تا سال ۱۲۷۷ق ادامه پیدا کرد. ویژگی اصلی و مهم این دوران حضور شاه در تشکیلات مطبوعاتی بود. اکثر روزنامه‌های این دوران نظیر وقایع اتفاقیه، تحت نظارت مستقیم شاه منتشر می‌شدند.

- دوره دوم از سال ۱۲۷۷ تا سال ۱۲۸۷ق ادامه پیدا کرد. ناصرالدین شاه که از مدت‌ها قبل سفرهای فرنگ خود را آغاز کرده بود و تحت تأثیر تمدن و پیشرفت‌های غرب قرار داشت، تصمیم گرفت تا در دستگاه حکومتی خود شش وزارتخانه تأسیس کند.

در سال ۱۲۷۷ق به دستور و فرمان ناصرالدین شاه کارهای دولت بین شش وزارتخانه تقسیم شد که عبارت بودند از: داخله، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه، و ظایف و علوم. وزیران این وزارتخانه‌ها در برابر صدراعظم مسئولیت نداشتند و از شخص شاه دستور می‌گرفتند (شمیم، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶).

مطبوعات، همراه با پیدایش مدارس و رسوخ افکار اروپایی، بازاری مناسب برای خواندن و نوشتن در کشور ایجاد کردند و نخستین رشته‌های ارتباط فرهنگی را بین روشن‌فکران و تحصیل‌کرده‌ها و مأموران دولتی پدید آوردند (مولانا، ۱۳۵۸، ص ۷۹).

نظارت بر انتشار روزنامه‌ها برعهده وزارت علوم قرار گرفت و مقرر شد این وزارتخانه بر روزنامه‌هایی که هم‌چنان دولتی بودند و وظیفه‌ای جز انتشار اخبار و موضوعات درباری نداشتند، نظارت کند. با بررسی روزنامه‌های منتشره در بازه زمانی دوره دوم پادشاهی ناصرالدین شاه، نظیر روزنامه‌ی اخبار دارالخلافت طهران، می‌توان به دخالت نکردن وزارت علوم در فرمان‌های شاه در حوزه مطبوعات، پی برد. این روزنامه نیز به دستور ناصرالدین شاه و در راستای هدفی که او برایش مشخص کرده بود، منتشر می‌شد. در زمان ناصرالدین شاه مجوز به معنای امروزی آن مطرح نبوده است و با وجود حضور وزارتخانه علوم در دوره دوم جریان‌های مطبوعاتی، اسنادی از درخواست افراد برای انتشار نشریه وجود ندارد. این خود دلیلی بر دولتی بودن روزنامه در این دوران و هم‌چنین رواج روزنامه و روزنامه‌خوانی در بین اقشار بالای اجتماع و درباریان است.

- دوره سوم از سال ۱۲۸۷ق آغاز شد و تا سال ۱۳۱۳ق ادامه پیدا کرد. این دوره هم‌زمان با آغاز زمزمه‌های تغییر و تحول در ایران عصر قاجاری شروع شد و با مرگ

ناصرالدین شاه به پایان رسید. همان طور که پیش تر هم اشاره شد، از دوره دوم جریان های مطبوعاتی در زمان ناصرالدین شاه و با شکل گیری وزارت خانه در ایران، صدور اجازه نامه برای مطبوعات برعهده وزارت علوم گذاشته شد؛ هرچند که وزارت خانه مذکور عملاً دخالتی در این امر نداشت. به مرور زمان و با افزایش آگاهی افراد، خواسته ها نیز تغییر کرد و صحبت هایی از اجرای مقررات و دستورها طبق (قانون) شنیده می شد. ناصرالدین شاه در برابر خواسته ها کوتاه آمد و با افزایش دادن وزارت خانه ها و اجرای فرمان ها در چارچوب قانون، گامی در نزدیک شدن کشور به انقلاب مشروطه برداشت.

تعداد وزارت خانه ها به مرور زمان و برحسب مقتضیات و احتیاجات کشور تا سال ۱۲۸۳ق به هفت و در سال ۱۲۸۹ق به پیشنهاد حاجی میرزا حسین مشیرالدوله (سپه سالار) به نه وزارت خانه به شرح زیر رسید: داخله، خارجه، جنگ، مالیه، عدلیه، علوم، فواید عامه، تجارت و زراعت، دربار. ضمناً بر اختیارات صدراعظم افزوده شد و به وزیران نیز اختیارات بیشتری اعطا شد (شمیم، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶).

یکی از وزارت خانه هایی که در دوره سوم تأسیس شد، وزارت انطباعات بود و یکی از ادارات آن به نام دارالطباعة و وظیفه نظارت بر تنظیم مطالب و انتشار روزنامه های دولتی را داشت و تاحدودی توانست به عنوان نهادی دولتی در این حوزه عمل کند.

اداره دارالطباعة مبارکه با هدف رسیدگی به وضع مطالب و نحوه نشر روزنامه های دولتی تأسیس شد و ریاست آن از مشاغل مهم محسوب می شد و غالباً این مسئولیت به عهده افراد باکفایت و شایسته بود (رابینو، ۱۳۸۰، ص ۲۰).

فعالیت های اعتمادالسلطنه در زمینه مطبوعات، از آن جهت اهمیت دارد که او در سال ۱۲۸۷ق از جانب ناصرالدین شاه قاجار اداره روزنامه رسمی و دارالترجمه دولتی را عهده دار شد. او هم چنین در سال ۱۳۰۰ق ریاست وزارت خانه تازه تأسیس انطباعات را نیز برعهده گرفت. اعتمادالسلطنه درباره مطبوعات دیدگاه خود را داشت:

روزنامه رسمی هر اقلیمی مرآت (پلنیک) دولت آن جاست. علاوه آنکه احوال و اخبار و اوضاع و حوادث و مراتب و مناصب و درجات و ترقیات و غیرها همه [را] از زبان روزنامه می باید شنید. دولت ایران قبل از ظهور این سلطنت جاودان آیت جریده ای نداشت و خزانه مملکت از فواید نامحصور و خصایص غیرمحدود آن بِالْمَرَّة^۱ تهی بود.

در سال چهارم از جلوس همایون، اراده و مشیت شاهنشاه دوران -که لایزال بر ترقی ملت ایران مقصور^۲ است- به ایجاد روزنامه قرار گرفت و این کار به تدریج مثل سایر شعب خدمات این دولت بزرگ شد و اداره وسیع تشکیل یافت و اول نمره این روزنامه که از طبع خارج گردید، مورخ به روز جمعه ۲ ربیع الثانی سنه ۱۲۶۷ بود (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص ۱۴۲).

۱. بِالْمَرَّة: به کلی؛ کاملاً.
۲. مقصور: منحصر؛ مختص.
۳. لازم به ذکر است که جمعه ۵ ربیع الثانی ۱۲۶۷ بوده و ۲ ربیع الثانی سه شنبه بوده است.



اعتمادالسلطنه کاملاً می‌دانست که روزنامه یکی از ارکان اصلی بیداری و پرورش افکار جامعه است. شاید به همین علت بود که در مواجهه ناصرالدین شاه با برخی از انتقادات به حکومت از جانب روزنامه‌های فارسی‌زبان منتشره در خارج از ایران، برای نخستین بار پیشنهاد سانسور در کتب را که پیش‌زمینه‌ای برای سانسور مطبوعات بود مطرح کرد.

چون بعضی از مطبوعات بعضی از ممالک که مشتمل بر طعن طریقی^۱ و قدح فریقی^۲ او یا هجای شخصی و یا هزل فاحشی بود، به لحاظ مبارک این پادشاه قدس اکتناه^۳ می‌رسید، از انتشار آن‌ها همواره آثار کراهت بر جبین همایون هویدا بود تا وقتی که رساله هجو [نوشته] سلالة شیخ‌هاشم شیرازی مطبوعه بمبئی را به طهران آوردند و نسخه‌ای به حضور مهرظهور بردند. از مشاهده آن اشعار ناسزاوار در حق آن دانشوران بزرگوار نعوذبالله من غضب‌الله، شعله خشم شاهنشاهی زبانه‌زدن گرفت و در وقت^۴ به تحجیر و اعدام تمام آن نسخ فرمان رفت. بنده نگارنده حاضر درگاه بود معروض نمود که در دولت‌های اروپیه سد راه این عیب را از ممالک خویش دایره تفتیش ایجاد کرده‌اند و اسم آن سانسور است و چون شرحی از شرایط و شئون آن براندم، بر خاطر مبارک پسندیده آمد و فرمان رفت تا هم در تحت نظر این خانه‌زاد، در حدود ایران، سانسور ایجاد شود و از آن وقت، باز راه این عیب بسته‌است و رشته این تجارت گسسته (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳، ص ۱۵۹).

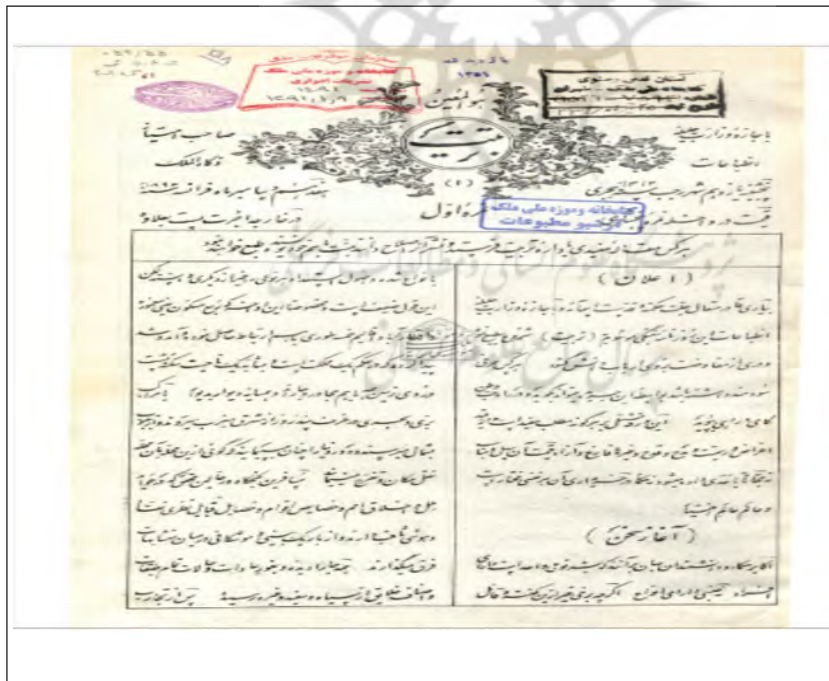
انتشار مطبوعات دولتی در زمان مظفرالدین شاه قاجار نیز ادامه پیدا کرد. او که با نشر جراید مخالفتی نداشت، زمینه را برای چاپ نوع دیگری از روزنامه در دوران حکومت خود فراهم کرد که دولتی نبود و با دستور و تأیید وزارت انطباعات منتشر می‌شد. انتشار جراید غیردولتی حتماً با اجازه وزارت انطباعات صورت می‌گرفت و به پیشنهاد وزارت‌خانه مذکور، صدراعظم حکمی مبنی بر انتشار روزنامه صادر می‌کرد و گاهی در موارد مخصوصی باز به حکم صدراعظم از انتشار مجله و یا روزنامه جلوگیری می‌شد (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ص ۶).

روزنامه‌های غیردولتی در انتشار مطالب خود به هیچ‌وجه آزادی نداشتند و موظف بودند که قبل از چاپ و انتشار روزنامه محتوای آن را به حضور وزارت انطباعات برسانند و در صورت تأیید رئیس یا نماینده وزارت‌خانه، آن را نشر و توزیع کنند. ناصرالدین شاه در سفر دوم خود به فرنگ، در سال ۱۲۹۵ق، کنت آنتوان دومونت فرت ایتالیایی را برای اصلاح نظمی به سبک اروپایی به استخدام خود درآورد. کنت دومونت نیز در مدت مأموریت خود در ایران کتابچه‌ای را تنظیم کرد که از قوانین جدیدی سخن می‌گفت. ماده هشت این کتابچه از قانونی برای چاپ کتب سخن می‌گفت که افراد در صورت

۱. طریق: مذهب؛ مسلک؛ روش.
۲. فریق: گروه؛ دسته؛ جماعت.
۳. قدس اکتناه: پاک‌طینت؛ پاک‌فطرت.
۴. در وقت: در لحظه؛ بلافاصله؛ فی‌الغور.

رعایت نکردن آن با برخورد قهری نظمیه مواجه می شدند. کسی که کتابی انتشار دهد که برضد مذهب، دولت و ملت بوده باشد از پنج الی پنجاه سال حبس خواهد داشت (اتحادیه، ۱۳۷۷، ص ۱۴۶).

از دیاد روزنامه‌های داخلی و خارجی و همچنین انتشار جراید غیردولتی در دوران مظفرالدین شاه، کنترل هرچه بیشتر محتوای روزنامه‌ها و همچنین سخت‌گیری در صدور اجازه‌نامه از جانب وزارت انطباعات را ضروری تر می کرد. از نقش و حضور شخص شاه نسبت به دوره قبل کاسته شده بود و نظارت را صدراعظم و وزیر وزارت خانه انجام می دادند. حضور صدراعظم‌هایی چون امین السلطان و عین الدوله و همچنین محمدباقرخان ادیب‌الممالک - که پس از مرگ اعتمادالسلطنه عهده‌دار ریاست وزارت انطباعات شد - روزنامه‌نگاری را با سختی‌های خاص خود مواجه کرد. در این میان روزنامه‌نگاران مدام درخواست‌های مکرر خود مبنی بر آزادی مطالب منتشره در نشریات را به وزارت خانه ارسال می کردند. این تلاش‌ها سرانجام و در راستای تلاش دیگر اقشار جامعه برای برقراری آزادی و قانون در ایران عصر قاجار و هم‌زمان با امضای فرمان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ ق نتیجه داد و صدور اجازه‌نامه در حوزه اختیارات وزارت معارف و اوقاف (وزارت انطباعات) قرار گرفت.



تصویر ۱
صفحه نخست روزنامه تربیت: اجازه‌نامه وزارت انطباعات در گوشه سمت راست برگ نخست روزنامه (پایگاه آرشیوی کتابخانه و اسناد دانشگاه تهران)

پس از صدور فرمان مشروطه، وزارت انطباعات ۷ ماه و ۱۶ روز برقرار بود و با دو حکم، محمدحسن اعتمادالسلطنه در سمت وزیر انطباعات ابقا شد. در این مدت دو نوع مجوز انتشار نشریه صادر می‌شد: (آزاد) و (تحت نظارت وزارت انطباعات). بعضی افراد نیز هم‌چون گردانندگان انجمن تبریز بدون کسب مجوز از مرکز نشینان نشریه منتشر می‌کردند (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

این رویه تا تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۵ق ادامه پیدا کرد. در این زمان، ساختار دولت به هشت وزارت‌خانه تغییر کرد و امور مطبوعات به اداره معارف و اوقاف واگذار شد که زیرشاخه وزارت‌خانه علوم بود.

در ششم صفر ۱۳۲۵ق ساختار دولت به هشت وزارت‌خانه تغییر کرد و امور مطبوعات در حد یک اداره در زیرمجموعه وزارت علوم (معارف) و اوقاف تنزل یافت. پس از آن، بزرگان وزارت علوم (معارف) و اداره انطباعات، با قدرت تمام به رتق و فتق امور می‌پرداختند (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۲۲).

آشفته‌گی و هرج و مرج در حوزه مطبوعات و هم‌چنین توقیف‌های پی‌درپی بدون ارجاع به قوانین مشخص، پیش از تصویب قانون مطبوعات به اوج خود رسید. این امر باعث شد تا مخبرالسلطنه به عنوان وزیر وقت علوم تصمیم بگیرد که در جلسه‌ای غیرعلنی با اعضای مجلس، چند اصل را تا زمان تصویب قانون مطبوعات، به قوانین رایج حوزه چاپ و نشر الحاق کند.

اولاً: مطالب مضر به دین و دولت مطلقاً نوشته نشود.

ثانیاً: ترویج مذاهب باطله مطلقاً نشود.

ثالثاً: الفاظ قلمبه چاپ نگردد.

رابعاً: در ذکر مطالب راجع به دولت و شخص شخیص سلطنت، نهایت احترام مرعی شود. این چهار اصل نیز، به‌مانند اصول پیشین، مبهم و غیرقابل تفسیر بود و نه تنها مشکل مطبوعات ایران را حل نکرد، بلکه روزبه‌روز بر توقیف‌ها و بحث‌و‌جدل‌ها افزود.

پس از تصویب قانون مطبوعات در سال ۱۳۲۶ق نیز گمان می‌رفت که مشکل همیشگی مطبوعات ایران حل شده و با در نظر گرفتن چارچوبی مشخص برای نشر یک روزنامه یا مجله، مسئله توقیف و جدل میان روزنامه‌نگاران و وزارت معارف از میان رفته‌است؛ ولی دخالت حکومت و در کنار آن نبود نظارت دقیق بر اعمال وزارت‌خانه از علل اصلی توقف مطبوعات ایران و پیشرفت نکردن آن بود.

۳. مجوزهای چاپ و نشر در پس از تصویب قانون مطبوعات

پس از امضای فرمان مشروطیت، شمار روزنامه‌ها در پایتخت و برخی از شهرهای بزرگ ایران نظیر تبریز افزایش یافت؛ ولی این فزونی چاپ و نشر به معنای برقراری کامل قوانین و آزادی‌های مطبوعاتی نبود. در همین دوران، محمدعلی میرزا در ۴ ذی‌الحجه ۱۳۲۴ ق، بر تخت پادشاهی قاجار تکیه زد. او برخلاف پدر چندان با مطبوعات نوگرا در ایران میانه خوبی نداشت و به همین دلیل از همان ابتدای سلطنت مخالفت خود را با اساس مشروطه و به دنبال آن سایر جریان‌های منشعب از آن اعلام کرد.

قانون مطبوعات در روز شنبه پنجم شهر محرم الحرام ۱۳۲۶ ق با حضور هشتاد و هشت نفر از نمایندگان مجلس و با هفتاد و شش رأی به تصویب رسید و پس از امضای رئیس مجلس (احتشام السلطنه) برای صحه همایونی به دربار فرستاده شد. این قانون در شش فصل تنظیم شده بود و شامل ۵۲ ماده بود (صدر هاشمی، ۱۳۶۳، ص ۱۹).

بعد از تصویب قانون مطبوعات انتظار می‌رفت که روزنامه‌نگاری در ایران پس از سال‌ها جایگاه خود را به دست آورد و روزنامه‌نگاران این حق را داشته باشند که در چارچوب قانون، مجوز انتشار جریده خود را دریافت کنند؛ ولی جامعه مطبوعاتی آن روزگار آسیب‌پذیر شده بود و اهداف اصلی خود را فراموش کرده بود.

محمدعلی شاه نیز که از همان ابتدا مخالفت خود را با اساس مشروطیت و دستاوردهای آن اعلام کرده بود، از آشفتگی میان روزنامه‌نگاران استفاده کرد و زمینه را برای سرکوب مطبوعات در ایران فراهم کرد.

در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۶ ق مجلس ایران به خواسته محمدعلی شاه قاجار و با همکاری روس‌ها به توپ بسته شد. استبداد صغیر در ایران آغاز شد و تا یک سال به طول انجامید. در این مدت اکثر روزنامه‌نگاران آزادی‌خواه دستگیر و یا کشته شدند. عده‌ای نیز به خارج از ایران گریختند تا به صورت جدی‌تر و با آزادی بیشتر هم‌چنان به فعالیت‌های مطبوعاتی خود بپردازند.

بحث و جدل روزنامه‌نگاران بر سر مسائل پیش‌یافتاده، آن‌ها را از اهداف اصلی خود - که پیش از مشروطیت برای دستیابی به آن‌ها تلاش کرده بودند - دور کرده بود. محمدعلی شاه قاجار نیز برخلاف پدر با تسامح در هر زمینه‌ای بیگانه بود؛ به همین دلیل فرصت را غنیمت شمرد و توانست دوران افول روزنامه‌نگاری در ایران را رقم بزند؛ دورانی که تا زمان پادشاهی احمدشاه قاجار به طول انجامید. هر چند از آغاز روزنامه‌نگاری تا زمان محمدعلی شاه دستاورد مهمی نصیب روزنامه‌نگاران نشده بود، تبعید و یا فرار روزنامه‌نگاران مشهور ایرانی که با حرفه و رسالت مطبوعاتی به خوبی آشنا بودند، زمینه

را برای ایجاد دو جریان در روزنامه‌نگاری فارسی بعد از محمدعلی شاه قاجار فراهم کرد؛ دو جریانی که پیش‌ازین نیز آغاز شده بود ولی از این زمان به بعد شکلی جدی‌تر به خود گرفت. نخستین جریان مطبوعاتی در داخل کشور و با حضور طیفی گسترده از افراد و خواسته‌های آن‌ها برای صدور مجوز همراه بود. این جریان بیشتر افرادی را شامل می‌شد که اطلاعات کافی از روزنامه‌نگاری و یا اهداف انتشار روزنامه نداشتند و تنها، ورود به این حرفه را نوعی روشن‌فکری تلقی می‌کردند. این امر را می‌توان از مجوزهای دوران احمدشاه قاجار (در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود) و شرح درخواست‌های این افراد در بیان حرفه و پیشه خود در جریان صدور مجوز، دریافت. دومین جریان نیز جریان روزنامه‌نگاری فارسی در خارج از ایران بود که توسط افرادی مشهور از جمله علی‌اکبرخان دهنخدا با روزنامه‌ صور/اسرافیل ادامه پیدا کرد. روزنامه‌های منتشره در خارج از ایران، برای انتشار به مجوز حکومت احتیاجی نداشتند و به‌همین دلیل با آزادی بیشتری مطالب خود را منتشر می‌کردند.

دریافت امتیاز طبع روزنامه‌ها و مجلات، در پس‌از تصویب قوانین مشروطه و مطبوعات در چارچوبی معین و مشخص قرار گرفت. شخص اول کشور -برخلاف دوران قبل- کمتر در روند صدور اجازه‌نامه‌ها دخالت داشت و اکثر اجازه‌نامه‌ها را وزارت انطباعات و یا معارف و اوقاف صادر می‌کرد. هرچند جایگزینی قوانین جدید با قوانین پیشین، در هر دوره زمانی، با توجه به درخواست شاه انجام می‌شد و روزنامه‌ها با اجازه مستقیم او توقیف می‌شدند، ولی روند اداری کسب اجازه‌نامه‌ها برعهده وزارت‌خانه‌های مربوطه بود. درخواست‌کننده مجوز باید چهار مرحله را با موفقیت پشت سر می‌گذاشت تا اجازه‌نامه‌اش صادر شود. البته یادآوری این نکته ضروری است که بازه زمانی پایان‌یافتن این مراحل و موفقیت فرد در آن، به شخص متقاضی و مسئول رسیدگی به درخواست او منوط بود. برای نمونه اگر در بررسی‌های اولیه در اداره نظمی، شخص متقاضی دارای سوءپیشینه قلمداد می‌شد، درخواستش برای کسب مجوز به تأخیر می‌افتاد و این کار باعث نامه‌نگاری‌های بسیاری بین فرد متقاضی و اداره معارف می‌شد. حتی در بعضی از اسناد، اسم نشریه نیز موردقبول وزارت معارف نبوده و درخواست فرد برای کسب اجازه‌نامه برگشت خورده‌است.

متقاضی برای دریافت اجازه‌نامه موظف بود تا مراحل زیر را طی کند:

ابتدا درخواستی را شامل نام و مشخصات خود به وزارت معارف تسلیم می‌کرد. وزیر معارف با ارسال درخواست‌نامه شخص متقاضی به اداره انطباعات یا انجمن معارف، دستور بررسی پیشینه کیفری و شرایط سنی و تابعیت متقاضی را صادر می‌کرد. اداره انطباعات،

به نوبه خود، صدق شرایط قانون مطبوعات را درباره شخص درخواست کننده امتیاز بررسی می کرد و در صورت مطابقت، در فرم جداگانه ای در اختیار متقاضی قرار می داد. در نخستین فرم، مشخصات و اطلاعات لازم درباره نشریه مدنظر درج می شد و دومین فرم تعهدنامه ای بود مبنی بر اطلاع کامل شخص از محتوای قانون مطبوعات و رعایت دقیق آن در دوران انتشار نشریه که درخواست کننده امتیاز، باید آن را پر و امضاء می کرد.

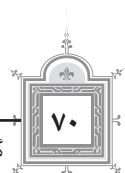
در این جا مرحله سوم اخذ امتیاز پایان می یافت و با احاله نظر اداره انطباعات یا انجمن معارف همراه با این فرم ها به وزیر علوم مرحله چهارم آغاز می شد. وزیر در این جا بسته به دیدگاه و موضعی که در برابر آزادی قلم و بیان داشت، می توانست بی درنگ صدور امتیازنامه را تأیید کند و یا با اشکال تراشی و وقت گذرانی از انتشار نشریه ای نوبنیاد جلوگیری کند.

در هر حال موافقت وزیر آخرین مرحله اخذ امتیاز بود. ولی گاهی اوقات که تأیید وزیر از پیش معلوم بود، ابتدا امتیازنامه امضاء می شد و بعد فرم ها پر می شد (کهن، ۱۳۶۰، ص ۳۸۳). پس از جلوس احمدشاه بر تخت سلطنت بسیاری از روزنامه نگاران تبعیدی و مهاجر به کشور بازگشتند. روزنامه خوانی در بین اقشار مختلف مردم بیشتر رونق گرفت و روزنامه نگاران موظف شدند مجوز جریده خود را از وزارت معارف دریافت کنند و مطالب خود را در چارچوب قانون مطبوعات منتشر کنند. مطالب روزنامه ها تنها به اخبار شاه و درباریان منحصر نمی شد، بلکه روزنامه نگاران تلاش می کردند تا مباحث اجتماعی را نیز مطرح کنند.

وجود احزاب گوناگون در روزنامه نگاری دوران احمدشاه قاجار از وجه تمایزات اساسی این دوران با پیش از آن است. جنگ قلمی بین دو حزب اعتدالیون و دموکرات ها مطبوعات ایران را برای چندمین بار به عقب راند.

این دو حزب، روزنامه را به عنوان تنها وسیله ارتباطی خود با عموم مردم انتخاب کردند و آن را عرصه بحث و جدل خود قرار دادند. مرام دو حزب کاملاً متفاوت بود. حزب اعتدالیون آرامش و اعتدال در حوزه مطبوعاتی را خواستار بود و در کنار آن، مبارزه با رژیم قاجار را در راستای اهداف خود قرار داده بود. در مقابل حزب دموکرات خواستار تفکیک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی، ایجاد نظام اجباری، تقسیم املاک بین رعایا، قانون منع احتکار، تعلیم اجباری، مخالفت با مجلس اعیان و غیره بود و روزنامه نوبهار به سرپرستی ملک الشعراء بهار را برای بیان عقاید خود انتخاب کرده بود.

دموکرات ها که در مجلس ۲۸ نفر بودند مخالفان خود یعنی اعتدالیون را که ۳۶ تن می شدند، ارتجاعی می نامیدند. اعتدالیون هوادار روشی ملایم تر و رعایت سیر تکامل بودند



و به کشتن و ازمیان بردن مستبدان و ارتجاعی‌ها اعتقاد نداشتند؛ از این رو بیشتر اعیان به حزب اعتدالیون پناه می‌بردند.

دموکرات‌ها که یک بند مرامشان، انفکاک کامل قوه سیاسی از قوه روحانی و بند دیگر، ایجاد نظام اجباری و بند دیگر، قانون منع احتکار و تعلیم اجباری و بانک فلاحتی و ترجیح مالیات غیرمستقیم بر مستقیم و مخالفت با مجلس اعیان و غیره و غیره بود، موردهجوم علما و گروه انبوهی از رعایا و توده قرار گرفتند؛ ولی نظر به اینکه افراد فعال و صاحب عقیده و باایمان و حرف‌زن و چیزنویس در میان آن‌ها زیاد بود و اساساً منتقد و تندزبان بودند و هوادار فقرا و رنجبران معرفی شده بودند، موفق شدند که فراکسیونی ۲۸ نفری در مجلس به وجود آورند و در خارج از مجلس، افراد کثیری از جوانان و غیر جوانان طبقه دوم را به خود جلب کنند و چند روزنامه خوش‌قلم و موجه و مشهور مانند *ایران‌نو* را در تهران، *شفق* را در تبریز، و *نوبهار* را در خراسان منتشر کنند و مخالفان خود را به نام محافظه‌کار و ارتجاعی و آخوند و سرمایه‌دار و اشراف و اعیان به باد انتقاد بگیرند (بهار، ۱۳۲۳، صص ۹-۱۰).

درگیری بین این دو حزب به اوج خود رسید و حکومت باز هم مانند دوره قبل چاره را در توقیف مطبوعات و انحلال آن‌ها دید. اکثر روزنامه‌ها توقیف شدند و یا به شرط سانسور شدید از جانب وزارت معارف، حق انتشار پیدا کردند. روزنامه‌نگاری در ایران بار دیگر به علت خصومت‌های حزبی و شخصی به انزوا کشیده شد و حکومت دخالت خود را در این عرصه بیش از پیش افزایش داد.

لازم است قبل از پرداختن به ساختار شکل و محتوایی مجوزهای چاپ و نشر، به روزنامه‌نگاری در سال‌های ۱۲۹۹ تا پایان حکومت قاجار (۱۳۰۴ ش) اشاره‌ای کوتاه بشود. اکثر اسناد استفاده شده در پژوهش پیش‌رو از دوره احمدشاه قاجار است. علت عمده این امر، نبود نظارت صحیح وزارت معارف و از همه مهم‌تر آشفتگی کشور به دلیل خلأ قدرت و نبود حکومتی مقتدر بود که برخلاف سال‌های قبل، تعداد مجوزها را افزایش داد؛ ولی این افزایش به معنای بهبود کیفیت روزنامه‌نگاری نبود. اجازه‌نامه‌ها را هم چنان وزارت معارف و با شرایط و ضوابطی به افراد درخواست‌کننده می‌داد. ولی نکته مهم این امر، حضور افرادی در حوزه نشر مطبوعات بود که هیچ تصویری از این حرفه نداشتند و تنها بنابر علائق و یا حس وطن‌پرستی به انتشار جریده دست زده بودند؛ بنابراین، شمار مجوزها در این سال‌ها زیاد بود، ولی نشریات کیفیت لازم را نداشتند. در این میان، مردم نیز رفته رفته اعتماد خود را به روزنامه‌ها از دست دادند؛ چون این مطبوعات وظیفه اطلاع‌رسانی خود را فراموش کرده بودند و بیشتر صحنه درگیری احزاب با یکدیگر شده بودند.

۴. بررسی محتوایی مجوزهای چاپ و نشر

فرایند صدور مجوزهای چاپ و نشر، در اکثر موارد با درخواست فرد مبنی بر دریافت اجازه‌نامه و حق طبع کتب و مطبوعات آغاز می‌شد. این درخواست‌ها معمولاً بر روی کاغذی نگارش می‌یافت که سربرگ خاصی نداشت و به‌خط شخص متقاضی بود. محتوای این برگ‌نوشته‌ها در اکثر موارد، شامل نام شخص متقاضی، نام جریده‌ای که درخواست صدور مجوز آن را داشت و محل طبع روزنامه و مسلک آن بود. البته در این میان اسنادی نیز وجود دارند که به شیوه‌هایی متفاوت نگارش یافته‌اند و درخواست خود را مطرح کرده‌اند. در اکثر موارد، همراه با تقاضای فرد، دو برگ دیگر نیز وجود داشت که از طرف اداره نظمی و وزارت عدلیه خطاب به وزارت معارف و اوقاف نوشته می‌شد. وجود این دو برگ در صدور مجوز نقشی اساسی داشت.

برطبق ماده ششم قانون مطبوعات (مصوب ۱۳۲۵ق/۱۲۸۶ش):

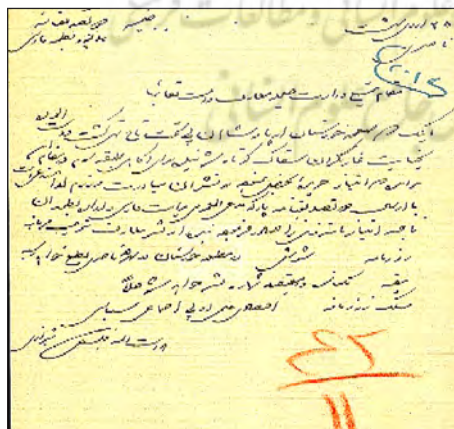
«هر روزنامه و جریده باید یک نفر مدیر مسئول داشته باشد متصف به صفات ذیل:

۱- ایرانی باشد؛

۲- سنش به سی سال بالغ باشد؛

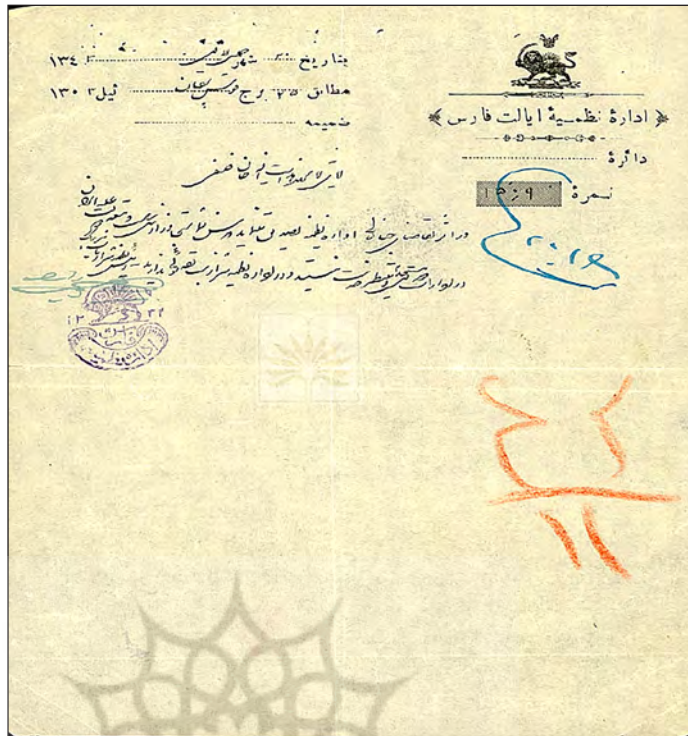
۳- زوال شرف از او نشده باشد، یعنی مرتکب جُنحه و جنایات و مشهور به فسق و فساد عقیده نباشد» (کهن، ۱۳۶۰، ص ۷۶۳).

مسئولیت تأیید و تکذیب شرایط مذکور درباره شخص درخواست‌کننده، برعهده اداره نظمی و وزارت عدلیه بود. اداره نظمی وظیفه داشت تابعیت فرد و ایرانی بودن او را تأیید کند و وزارت عدلیه هم عدم ارتکاب شخص به جُنحه و جنایت را بررسی می‌کرد. حضور این دو برگ از جانب اداره نظمی و وزارت عدلیه در صدور مجوز نقشی اساسی و مهم داشت.



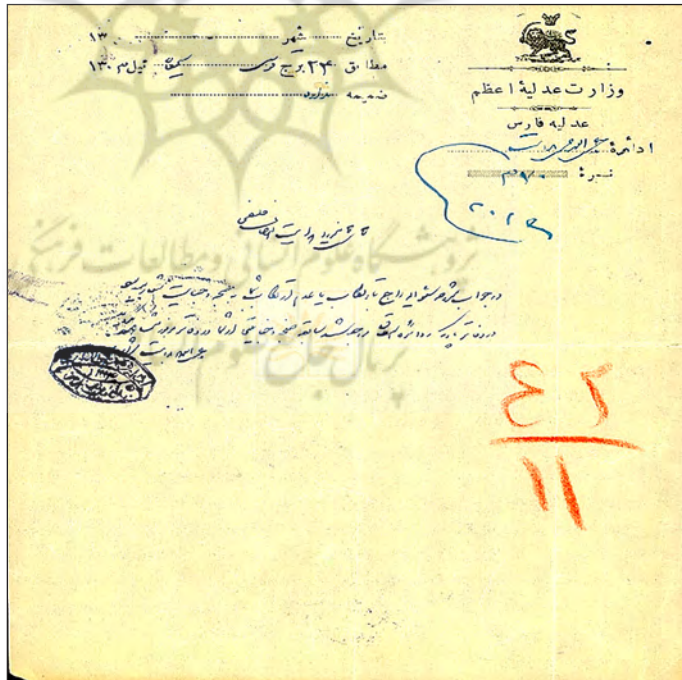
تصویر ۲

درخواست هدایت‌الله فلسفی مبنی بر صدور مجوز روزنامه شوش (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)



تصویر ۳

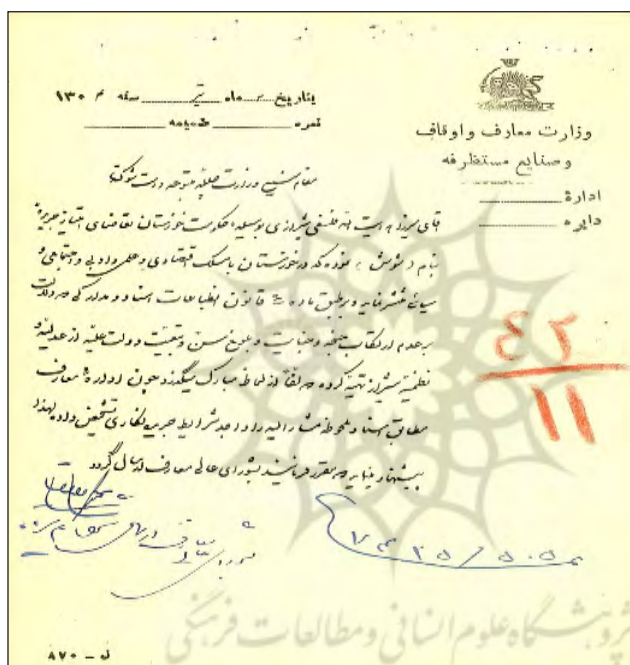
تأییدیه (تأیید سن، تابعیت، عدم انتظار خدمت و مستخدم بودن، و عدم سوء پیشینه) اداره نظامیه دریاب درخواست هدایت‌الله فلسفی برای نشر روزنامه (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)



تصویر ۴

تصدیق عدم سوء پیشینه در وزارت عدلیه دریاب درخواست هدایت‌الله فلسفی برای نشر روزنامه شوش (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

پس از تسلیم این سه برگ به وزارت معارف و اوقاف برگه‌ای از جانب این وزارت خانه به شورای عالی معارف نگارش می‌شد و در آن تأکید می‌شد که مدارک شخص متقاضی کامل است و در صورت صلاح دید آن شورا، مجوز به او اعطاء شود. در این بخش یادآوری این نکته ضروری است که همه مجوزها از روندی مشخص و یکسان پیروی نمی‌کردند و گاهی ترتیب صدور اجازه‌نامه‌ای دقیقاً رعایت نشده‌است و یا ممکن است اسناد مجوزی به‌طور کامل حفظ نشده باشد؛ بنابراین، می‌توان به تعداد تمام مجوزهای صادره، تفاوت و تمایز قائل شد.

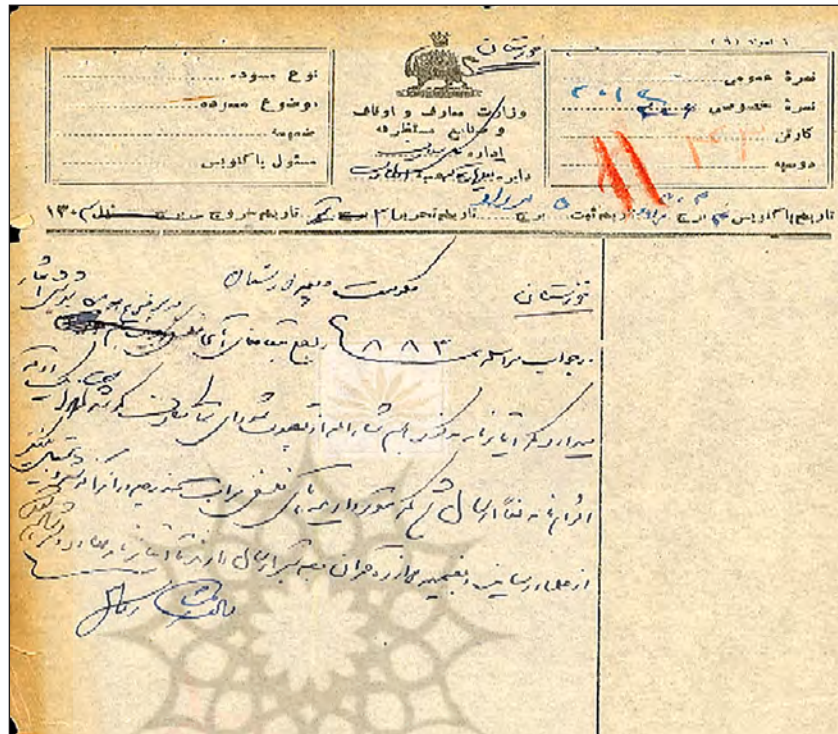


تصویر ۵

نامه وزارت معارف و اوقاف به شورای عالی معارف مبنی بر درخواست هدایت‌الله فلسفی برای نشر روزنامه شوش به تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۰۴ شمسی (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

همان‌طور که در اسناد مشخص است، درخواست وزارت معارف و اوقاف، به شورای عالی معارف نگارش شده‌است و در مرحله آخر و در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۰۴ ش، شورای معارف موافقت خود را با انتشار روزنامه شوش در خوزستان، اعلام کرده‌است. این موافقت در قسمت انتهایی سند نگارش شده‌است و مهر دارالانشاء بر آن حک شده‌است. پس از صدور مجوز از جانب شورای عالی معارف، کاغذی با سربرگ وزارت معارف و اوقاف و علامت شیروخورشید همراه با التزام‌نامه‌ای برای شخص متقاضی فرستاده شده‌است و از او درخواست شده‌است تا ضمن تکمیل التزام‌نامه، آن را به تأیید یکی از

علما برساند و هزینه ۱۲ قران را به عنوان وجه تمبر ضمیمه آن کند و به وزارت معارف و اوقاف ارسال کند تا مجوز به نام او صادر شود.



تصویر ۶

نامه وزارت معارف و اوقاف خطاب به هدایت‌الله فلسفی به منظور تکمیل التزامنامه (پایگاه آرشویی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

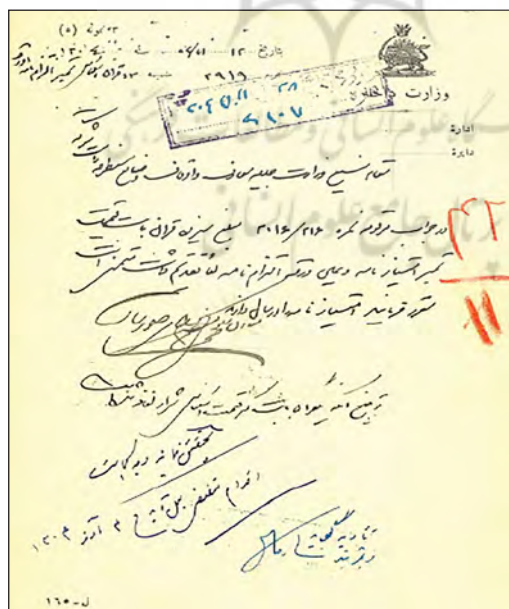
التزامنامه‌ای که از جانب وزارت معارف و اوقاف برای فرد صادر می‌شد شامل تعهد او برای رعایت قانون مطبوعات و هم‌چنین قبول مجازات در صورت تخلف از قوانین بود. علاوه بر این موارد، مشخصات کامل نشریه و تعهد فرد برای ارسال چهار نسخه از هر شماره به وزارت معارف و اوقاف و هم‌چنین طبع اعلانات این وزارتخانه به صورت رایگان، از جمله موارد مورد تعهد بود که باید از طرف متقاضی تکمیل می‌شد. متن تأییدیه معمولاً در قسمت بالایی سند قرار می‌گرفت و در اکثر موارد به زبان عربی نوشته می‌شد. در این متن، شخص متقاضی را علما و گاهی بزرگان یک شهر و منطقه در حوزه روزنامه‌نگاری تأیید می‌کردند و در صورت لزوم به سوابق او در این زمینه اشاراتی می‌کردند. هم‌چنین در بالای برگه تمبری قرار داشت که روزنامه‌نگار موظف بود همراه با پر کردن برگه التزامنامه مبلغ آن را به وزارت معارف و اوقاف ارسال کند. این برگه‌ها در اکثر موارد به صورت چاپی در اختیار افراد قرار می‌گرفت. البته در برخی از اسناد می‌توان التزامنامه‌هایی را مشاهده کرد که به دست خط فرد نگارش شده و به وزارت معارف و اوقاف ارسال شده است.



تصویر ۷

التزامنامه هدایت‌الله فلسفی برای دریافت مجوز روزنامه شوش (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

در نمونه‌ای کامل از فرایند درخواست صدور مجوز، معمولاً بعد از تسلیم التزامنامه توسط شخص متقاضی، نامه‌ای به وزارت معارف نگارش می‌شد و در آن تأکید می‌شد که مدارک فرد مذکور کامل است و مجوز صادر شود. این نامه را در درخواست‌های مختلف، وزارت خانه‌های گوناگون و یا اشخاص مختلف نگارش کرده‌اند. در نمونه زیر این نامه را وزارت داخله به وزارت اوقاف و معارف ارسال کرده‌است.



تصویر ۸

نامه وزارت داخله به وزارت معارف و اوقاف برای صدور مجوز روزنامه شوش (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

در مرحله آخر نامه‌ای با سربرگ وزارت معارف و اوقاف برای روزنامه‌نگار صادر می‌شد که در آن ضمن تأکید بر رعایت قانون مطبوعات از جانب وی، از او خواسته می‌شد که امتیاز نشریه خود را به فرد دیگری واگذار نکند و در صورت منتشر نکردن نشریه تا شش ماه، برای تجدید امتیاز آن مجدداً به وزارت معارف و اوقاف رجوع کند. این برگه که در واقع به نوعی مجوز نهایی برای انتشار نشریه محسوب می‌شد به صورت‌های گوناگون، ولی با محتوایی یکسان نگارش می‌شد و به عنوان مجوز نشریه برای فرد متقاضی ارسال می‌شد.

تصویر ۹

اجازه‌نامه طبع و انتشار روزنامه کسکول
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتاب‌خانه
ملی ایران)



تصویر ۱۰

اجازه‌نامه طبع و انتشار روزنامه قرن
بیستم برای میرزاده عشقی
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتاب‌خانه
ملی ایران)



همان‌طور که در اسناد فوق مشاهده می‌شود، مجوزهای چاپ و نشر به گونه‌هایی مختلف برای نشریات صادر می‌شده‌است. این تفاوت در اکثر موارد به شکل و ظاهر اجازه‌نامه‌ها مربوط بوده و در کمتر موردی محتوای آن تغییر می‌کرده‌است. اجازه‌نامه‌های بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۴ ش بیشتر به صورت چاپی و با تمبر دولت علیّه ایران چاپ شده‌اند؛ دقیقاً همان تمبرهایی که افراد به همراه پرکردن التزام‌نامه مبلغ آن را به وزارت معارف و اوقاف پرداخت می‌کرده‌اند.

۵. بررسی شکلی مجوزهای چاپ و نشر

محتوای مجوزهای چاپ و نشر متفاوت بود؛ همین موضوع درباره شکل اجازه‌نامه‌ها نیز صادق بود.

بررسی شکلی مجوزهای چاپ و نشر به مانند محتوای آن‌ها، با درخواست فرد به وزارت معارف و اوقاف آغاز می‌شد.

درخواست فرد معمولاً بر روی کاغذی بدون سربرگ مشخص مکتوب می‌شد؛ البته تفاوت‌هایی هم وجود دارد. برای نمونه گاه فرد تقاضی، به قدر کافی سرشناس بود و درخواستش را بر روی کاغذی با سربرگ مخصوص با نام و مشخصات خود می‌نوشت و یا اینکه فرد مجوز نشریه‌ای را داشت و دوباره برای دریافت مجوز نشریه‌ای دیگر اقدام می‌کرد که در این صورت امکان داشت با مهر جریده و یا کاغذ مخصوص به نشریه خود، تقاضایش را به وزارت معارف و اوقاف تسلیم کند. ولی در اکثر موارد اهمیت شکلی مجوزهای چاپ و نشر در مرحله نخست از دریافت اجازه‌نامه، به تفاوت در اسامی بود که گاه به صورت مهر و یا امضاء در انتهای درخواست حکم می‌شد.



تصویر ۱۱

فونتهایی از مهر، امضاء و سربرگ‌های افراد در نخستین مرحله از دریافت اجازه‌نامه (پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

در دومین مرحله، فرد برگه اداره نظمی و وزارت عدلیه را همراه با درخواست خود، به وزارت معارف و اوقاف تسلیم می‌کرد. این برگه‌ها معمولاً دارای سربرگ و مهر مخصوص به خود بودند.



تصویر ۱۲

سربرگ، مهر و تمبر وزارت عدلیه و اداره نظمی
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)

وزارت معارف و اوقاف با تکمیل شدن مدارک از جانب فرد متقاضی، در برگه‌ای با سربرگ و مهر وزارت معارف و اوقاف، موافقت خود را برای ارسال التزامنامه اعلام می‌داشت. این سربرگ وزارت معارف و اوقاف در اکثر موارد با برگه دیگری که در مرحله بعد و مرحله آخر (در زمان صدور مجوز) منتشر می‌شد، تفاوت داشت.

تصویر ۱۳

سربرگ و مهر وزارتخانه معارف و اوقاف
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران)



وزارت معارف و اوقاف در نامه‌ای دیگر پرکردن فرم التزامنامه از جانب شخص متقاضی و فرستادن مبلغ ۱۲ قران برای تمبر را درخواست می‌کرد. این درخواست در کاغذی با سربرگ متفاوت نوشته می‌شد.



تصویر ۱۴

سربرگ وزارت معارف و اوقاف
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران)

مهم‌ترین نکته در برگه التزامنامه تمبر مخصوص دولت علیّه ایران و تأییدیه‌های متفاوتی است که از جانب علما در تأیید فرد متقاضی نوشته شده‌اند. در اکثر موارد این تأییدیه‌ها در قسمت بالایی سند و به خط عربی نگارش شده‌اند و مهر و امضای مخصوص به خود را دارند.



تصویر ۱۵

نمونه‌ای از تمبر و تأییدیه‌های التزامنامه‌ها
(پایگاه آرشیوی سازمان اسناد و
کتابخانه ملی ایران)

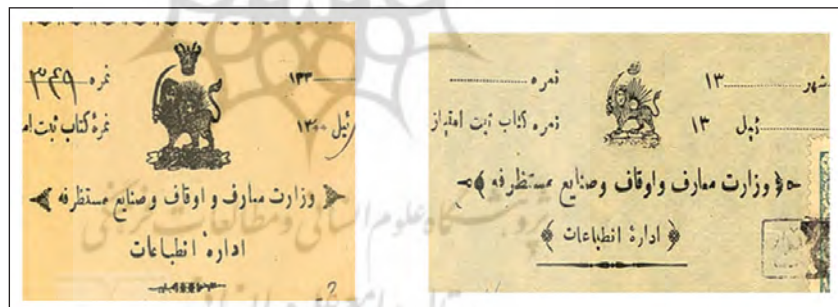
در پنجمین مرحله، وزارت داخله تأیید می‌کرد که فرد التزامنامه خود را به همراه مبلغ ۱۲ قران پول به‌عنوان هزینه تمبر ارسال داشته‌است و از وزارت معارف درخواست می‌کرد که مجوز نشریه را صادر کند.



تصویر ۱۶

سربرگ و مهر وزارت داخله
(بایگ‌گاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران)

در مرحله آخر، مجوز نشریه در کاغذی با سربرگ وزارت معارف و اوقاف صادر می‌شد. البته ظاهر این سربرگ‌ها متفاوت است؛ مثلاً در مجوزهای چاپ و نشر دوران احمدشاه قاجار، مهر و تمبر وزارت معارف دیده می‌شود؛ در صورتی که در مجوزهای دوران رضاشاه پهلوی این دو مورد وجود ندارد.



تصویر ۱۷

سربرگ مجوز در دوران احمدشاه قاجار
(بایگ‌گاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران)



تصویر ۱۸

تمبر و مهر حک‌شده در اجازه‌نامه دوران احمدشاه
قاجار (بایگ‌گاه آرشیوی سازمان اسناد و کتابخانه
ملی ایران)

۶. نتیجه گیری

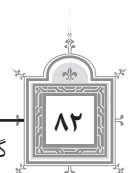
سراغاز صدور اجازه نامه با پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار شروع شده و از دوران قبل از آن، اطلاعات و اسناد چندانی به دست نیامده است؛ ولی به نظر می رسد باتوجه به اینکه، روزنامه در آن دوران دولتی بوده و به حکومت وابسته بوده است و تنها وظیفه خود را بازتاب اخبار دربار قلمداد می کرده است، مجوزش را از پادشاه و درباریان و بدون حضور نهاد و وزارت خانه ای دریافت می کرده است.

به مرور زمان و با شکل گیری وزارت خانه ها در دوره ناصری، صدور اجازه نامه زیر نظر وزارت علوم قرار گرفت. این وزارت خانه عملاً اختیاری از جانب خود نداشت و توسط شاه و اطرافیانش به ویژه اعتماد السلطنه اداره می شد. اسنادی از این دوران در زمینه اداری شدن مراحل صدور مجوز در دست نیست؛ بلکه انتشار روزنامه پس از تشکیل وزارت خانه ها به همان سبک و سیاق گذشته، از ادامه روند صدور اجازه نامه به همان روال پیشین حکایت دارد. وزارت انطباعات به پیشنهاد اعتماد السلطنه، به عنوان یکی از ارکان اصلی وزارت خانه علوم در ۱۲۷۷ق/۱۲۳۹ش تأسیس شد و اداره دارالطباعة آن، وظیفه صدور مجوز برای نشر روزنامه و کتب را عهده دار شد.

رویه صدور مجوزهای چاپ و نشر در دوران مظفرالدین شاه قاجار نیز به مانند گذشته ادامه پیدا کرد. تنها دستاورد مهم در دوران پادشاهی مظفرالدین شاه در حوزه اجازه نامه های مطبوعات، درج عنوان آزاد بر صفحه نخست روزنامه مجلس بود که پس از امضای فرمان مشروطیت، وظیفه بازتاب اخبار مربوط به جلسات نمایندگان ملت را در نشریه خود برعهده داشت.

در تاریخ ۶ صفر ۱۳۲۵ق با شکل گیری وزارت معارف و اوقاف، صدور اجازه نامه در اختیار این نهاد دولتی قرار گرفت. اجازه نامه و صدور آن به صورت اداری درآمد و دریافت آن برای همه افراد به رعایت قوانین و ضوابطی مشخص منوط شد. ولی مشکل اساسی و مهم روزنامه نگاران این بود که در قانون اساسی مشروطه، چندان و به صورت گسترده به بحث انتشار جراید پرداخته نشده بود. تلاش روزنامه نگاران برای تصویب قوانین و چارچوب هایی مشخص در صدور اجازه نامه و انتشار مطبوعات، سرانجام در تاریخ ۵ محرم الحرام ۱۳۲۶ق به نتیجه نشست و نمایندگان مجلس قانون مطبوعات را تصویب کردند.

از خلال بررسی مجوزهای صادره در دوران احمدشاه قاجار، می توان متوجه شد که همه افراد معمولاً روند یکسانی را برای صدور اجازه نامه طی می کرده اند. این رویه با تقاضای فرد برای مجوز نشریه آغاز می شد و با تأییدیه هایی از جانب اداره نظمی و وزارت



عدلیه ادامه پیدا می‌کرد و در نهایت با رعایت قوانین و مقرراتی از جانب فرد متقاضی و با صلاح دید یکی از علما و روحانیون، به فرد مجوز داده می‌شد. به مانند دوران‌های قبل، وزارت معارف و اوقاف مسئول رسیدگی به مجوزهای چاپ و نشر و چگونگی انتشار روزنامه‌ها بود.

مجوزهای چاپ و نشر تا زمان اجرایی شدن قانون مطبوعات و شکل‌گیری وزارت معارف و اوقاف و اداری شدن روند صدور مجوزها، توسط شخص شاه یا با دستور مستقیم او و با ساختار و محتوایی متفاوت صادر می‌شد. ولی در دوران‌های بعد نقش وزارت‌خانه‌ها پررنگ‌تر شد و زمینه حضور طیف بیشتری از اشخاص در حوزه مطبوعات فراهم شد. افراد برای صدور اجازه‌نامه و حق نشر جرأید خود موظف بودند قوانین یکسانی را رعایت کنند؛ بنابراین، اکثر اسناد به دست آمده از این دوران از ساختاری مشخص پیروی می‌کند و تفاوتی فاحش در ساختار و محتوای اجازه‌نامه‌ها در بعد از تصویب قانون مطبوعات و شکل‌گیری وزارت معارف و اوقاف روی نداده است.

منبع

اسناد

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران (ساکما)
پایگاه آرشیوی کتابخانه و اسناد دانشگاه تهران

کتاب

- اتحادیه، منصوره. (۱۳۷۷). *اینجا طهران است*. تهران: تاریخ ایران.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان. (۱۳۳۳). *مآثر و الآثار*. تهران: اساطیر.
- بهار، ملک الشعراء. (۱۳۲۳). *تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران*. تهران: امیرکبیر.
- رابینو، یاسنت لویی. (۱۳۸۰). *روزنامه‌های ایران از آغاز تا سال ۱۳۲۹ هـ.ق/ ۱۲۸۹ هـ.ش*. (جعفر خمایی زاده، مترجم). تهران: اطلاعات.
- شمیم، علی اصغر. (۱۳۸۹). *ایران در دوره سلطنت قاجار: قرن سیزدهم و نیمه اول قرن چهاردهم*. تهران: بهزاد.
- صدر هاشمی، محمد. (۱۳۳۳). *تاریخ جرأید و مجلات ایران*. اصفهان: کمال.
- قاسمی، فرید. (۱۳۸۰). *سرگذشت مطبوعات در ایران*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- قاسمی، فرید. (۱۳۸۹). *مطبوعات ایرانی*. تهران: علم.

کهن، گوئل. (۱۳۶۰). *تاریخ سانسور در مطبوعات ایران*. تهران: آگاه.
مولانا، حمید. (۱۳۵۸). *سیر ارتباطات اجتماعی در ایران*. تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.

روزنامه

روزنامه تربیت، نمره اول، مورخ ۱۱ رجب سنه ۱۴۱۳ قمری، ص ۱.

English Translation of References

Documents

Sāzmān-e Asnād va Ketābxāne-ye Melli-ye Irān (Sākmā)(National Library and Archives Organization of Iran).

Pāyghāh-e Ārshivi-ye Ketābxāneh va Asnād-e Dānrsghāh-e Tehrān (Central Library of University of Tehran).

Books

Bahar, Mohammad Taghi. (1323/1944). *“Tārix-e moxtasar-e ahzāb-e siāsi-ye Irān”* (A brief history of Iran's political parties). Tehran: Amir Kabir. [Persian]

Cohn, Guel. (1360/1981). *“Tārix-e sānsurdarmatbu'āt-e Irān”* (The censorship history of Iran). Esfahan: Āgāh. [Persian]

E'temad Al-Saltaneh, Mohammad Hasan Khan. (1363/1984). *“Al-ma'āser-o val-āsār”* (Forty years of Iran's history during Nasir al-Din Shah's era). Tehran: Asātir. [Persian]

Ettehadieh, Mansoureh. (1377/1998). *“InjāTehrānast”* (This is Tehran ...: A collection of articles about Tehran 1853-1925). Tehran: Tārix-e Irān. [Persian]

Ghasemi, Farid. (1380/2001). *“Sargozašt-e matbu'ātdarIrān”* (The story of Iran's Perss). Tehran: Vezārat-e FarhangvaEršād-e Eslāmi (Ministry of Culture and Islamic Guidance).[Persian]

Ghasemi, Farid. (1389/2010). *“Matbu'āt-e Irāni”* (Iranian Press). Tehran: Elm.[Persian]

Molana, Hamid. (1358/1979). *“Seir-e erdebātāt-e eġtemā'eedarIrān”* (The course of social communications in Iran). Tehran: Dāneškade-ye 'Olum-e Erdebātāt-e

- Ejtemā'ee (Faculty of Communication Sciences).[Persian]
- Rabino, Hyacinth Louis. (1380/2001). *“Ruznāme-hā-ye Irānazāqāztāsāl-e 1329 AH / 1289 SH”* (Iranian newspapers from the beginning to 1329 AH / 1289 SH).
Translated by JaafarKhomamizadeh. Tehran: Ettelā'āt.[Persian]
- Sadr Hashemi, Mohammad. (1363/1984). *“Tārix-e jarāyedvamajallāt-e Irān”* (The history of Iranian press and journals). Esfahān: Kamāl. [Persian]
- Shamim, Ali Asghar. (1389/2010). *“Irāndardowre-ye saltanat-e Qājār: Qarn-e sizdahom v anime-ye avval-e qarn-e čahārdahom”* (Iran during the reign of Qajar).
Tehran: Behzād. [Persian]

Newspaper

- Ruznāme-ye Tarbiyat*, issue 1, published in 11 Rajab 1413 AH / 5 January 1993, p.
1.[Persian]

